

## ترجمه کامل شاهنامه فردوسی به زبان عبری

سالهاست که مردی ادیب و شاعر با سری پرشور، همت در ترجمه شاهنامه بسته تا این اثر جاودان فارسی را به زبان غزلهای سلیمان و مزامیر داود به دوستداران ادبیات هدیه کند. اینک در آستانه هفتاد و هفت سالگی این مرد بلندهمت، مژده رسید که وی ترجمه کامل شاهنامه را پایان برده و این اثر بزرگ شاعر توس بتدریج در پنج جلد در چهارچوب «ترجمه شاهکارهای ادبیات کلاسیک» از طرف مؤسسه ییالیک منتشر خواهد شد.

مترجم، دکتر الیعرز کاگن Eliezer Kagan استاد ادبیات عبری دانشگاه حیفا، خود در شاعری دستی دارد و علاوه بر کتب پژوهشی تا کنون هشت مجموعه از اشعار وی انتشار یافته است. دکتر کاگن در سال ۱۹۱۴ از پدری ادیب و مدرس در شهرکی در روسیه متولد شد. در کودکی وی، منطقه سکونت خانواده کاگن موقه از روسیه جدا و به لهستان منضم گردید. پس از پایان آموزش دبیرستانی و خدمت در ارتش لهستان وی در سال ۱۹۳۵ به سرزمین اسرائیل (فلسطین) مهاجرت نمود و در رشته ادبیات عبری در دانشگاه اورشلیم بتحصیل پرداخت. در این دوره چون بضاعت مالی نداشت با کارگری ساختمان امرار معاش می کرد. با پایان تحصیلات فوق لیسانس، آقای کاگن به دبیری دبیرستانها منصوب گردید. پس از مدتی به کلاس درس دانشگاهی بازگشت و دکترای ادبیات خود را با تقدیم رساله ای درباره آثار ییالیک شاعر بزرگ عبری زبان بدست آورد. از آن پس با ادامه شغل مدیریت دبیرستان در دانشگاه حیفا نیز به تدریس پرداخته است.

طبع آزمایی کاکن در شعر از دوازده سالگی شروع شد و از همان اوان نوجوانی دلبستگی به مطالعه آثار ادبی جهان او را بسوی فرهنگ خاورزمین و ادبیات ایران کشاند. هنگام تحصیل در دبیرستان منظومه «فردوسی شاعر» سروده هاینریش هاینه شاعر آلمانی را که بر اساس داستان فردوسی و محمود در تذکرة الشعراء دولتشاه نوشته شده به ترجمه لهستانی مطالعه کرد. این اولین آشنایی او با شاعر توس بود. پس از اقامت در اورشلیم با ترجمه‌های شاهنامه آشنا شد و از جمله ترجمه آلمانی فردریک ریکرت F. Ruckert، منظومه انگلیسی ماتیو آرنولد M. Arnold درباره «سهراب و رستم» و دو ترجمه عبری از داستان سیاوش (ترجمه منشور پروفورگویتن Goitein) و «عشق زال و رودابه» (ترجمه منظوم بن شالم Ben-Shalom) وی را بیش از پیش به اثر فردوسی دل‌بند ساخت.

این دلبستگی، محقق جوان را بر آن داشت که تحقیقات وسیعی درباره فردوسی، شاهنامه و شرایط تاریخی و فرهنگی سرایش این اثر آغاز نماید و بسیاری از ترجمه‌های شاهنامه را به آلمانی، انگلیسی و روسی مطالعه کند. با این حال سالها مطالعه وسیع، خواسته او را ارضا نکرد و با شوقی که برای ترجمه این اثر در او بوجود آمده بود در آستانه پنجاه سالگی به آموختن زبان فارسی پرداخت تا به گفته خود بتواند در پس پشت ترجمه‌ها با سبک شاهنامه، دید ویژه شاعر و دنیای تصاویر او از نزدیک آشنا شود. با وجود این آشنایی، ترجمه عبری از طریق مقایسه اصل با ترجمه‌های متعدد بوژیه ترجمه روسی بانو لاهوتی و ترجمه‌های آلمانی فون شاک von Schak و کانوس کرده Kanus-Crede انجام گرفته است. ترجمه ابتدا بر اساس متن وولرس Vollers، و پس از انتشار متن چاپ مسکو از ۱۹۶۰ بعد بر اساس این متن قرار داشته است. در آغاز کار، مترجم با دو مسأله اساسی روبرو بود. یکی وزن و قافیه و دیگری گزینش سبک مناسب. اولین سؤال مقفی بودن یا نبودن ترجمه است. دکتر کاکن از اهمیت قافیه در شاهنامه آگاه بود ولی در عین حال می‌دانست که حفظ قافیه چه بسا باعث می‌شود که ترجمه از اصل دور افتد همان‌طور که در ترجمه‌های مقفی شاهنامه شاهد آن هستیم. از این رو پس از دودلیهای بسیار تصمیم گرفت ترجمه، موزون ولی بدون قافیه باشد. انتخاب وزن مسأله مهم دیگری بود. بحر متقارب که شاهنامه بدان سروده شده در شعر عبری اسپانیا (دوره تسلط اسلام) مورد استفاده بوده ولی استفاده آن در عبری با عروض فارسی-عربی تفاوت بسیار دارد چرا که در اوزان فارسی پایه کار بر بلندی و کوتاهی هجاهاست در حالی که بحر متقارب در عبری اسپانیا بر اساس تناوب

انواع مصوتها قرار دارد. بنابراین و با توجه به این که اساس وزن در شعر عبری امروز بر تکیه قرار دارد و نیز با مقایسه اوزان مختلف، دکتر کاگن تصمیم گرفت شاهنامه را به وزن iambic pentametre ترجمه کند زیرا به عقیده وی با این وزن دو هدف نرمش بیان حماسی و ایجاز کلام بهتر بدست می آید.

در مورد سبک، مترجم تردید نداشت که باید سبکی قدمایی از جمله سبکهای موجود در تورات انتخاب نماید همانند سبکی که قبلا برخی از شعرا برای ترجمه آثار همر برگزیده بودند. مشکل این بود که کدام یک از این سبکها برای بیان دنیای فکری و زیبایی شناسی فردوسی حماسه سرای قرن دهم میلادی ایران تناسب دارد و علاوه بر این چه سبکی در عین قدمایی بودن سدی بین خواننده عبری امروز با آنچه که در متن توصیف شده بوجود نمی آورد. دکتر کاگن می گوید «تصمیم من آن شد که سبک کتاب استرا انتخاب کنم چون با این که یک سبک توراتی است از بعضی از ویژگیهای کهنه زبان عبری که مطالعه اشعار را برای خواننده مشکل می سازد برکنار است.» با این مشخصات سعی مترجم بر آن بوده که ترجمه به متن نزدیک باشد و داستانهای شاهنامه تا حد امکان با دید ویژه فردوسی و سبک حماسه فارسی به قالب عبری درآید. در این وظیفه سنگین «واژه نامه شاهنامه فردوسی» اثر فریتس وولف ایران شناس فقید آلمانی از جمله مهمترین منابع مورد استفاده مترجم بوده است.<sup>۵</sup>

اولین مجموعه از داستانهای برگزیده شاهنامه به ترجمه عبری در سال ۱۹۷۷ منتشر شد. این ترجمه با نظارت علمی و ویراستاری پرفسور شاول شاکد استاد ایران شناسی دانشگاه عبری اورشلیم و با سرمایه و سرپرستی «شورای ملی فرهنگ و هنر» وابسته به وزارت فرهنگ اسرائیل در چهارچوب «ترجمه شاهکارهای ادبیات جهان» انتشار یافت. این مجموعه در حدود ده درصد از کل ابیات شاهنامه را شامل می شود و گذشته از سرآغاز شاهنامه داستانهای کیومرث، هوشنگ و تهمورث، جمشید و ضحاک، فریدون و سه فرزند او، جنگهای رستم، رستم و سهراب، سیاوش، و رستم و شقاد را بدون کم و کاست در بردارد. مترجم همچنین مقدمه ای درباره زندگی فردوسی و مشخصات شاهنامه و خلاصه داستانها در اختیار خواننده قرار داده است.

اولین مجموعه داستانهای شاهنامه به عبری با توجه و استقبال محافل فرهنگی و ادبی روبرو شد و جایزه مهم ادبی چرنیخوفسکی Schernikhovski (یکی از مهمترین شعرای عبری زبان قرن بیستم ۱۸۷۵-۱۹۴۱) در سال ۱۹۸۱ بعنوان قدردانی به آقای کاگن اعطاء گردید. هیأت داوران در تصمیم خود برای اعطای این جایزه به مترجم از

جمله نوشت: «دکتر کاگن اثر بزرگترین شاعر ایران را، شاهکاری با زیبایی نادر، در اختیار خواننده عبری زبان قرار داده و درجه‌ای بسوی فرهنگ وسیع و غنی ایران گشوده است.» داوران همچنین اظهار امیدواری کرده بودند که آقای کاگن کار ترجمه شاهنامه را ادامه دهد تا این اثر بزرگ بطور کامل در دسترس خوانندگان قرار گیرد.

مترجم بدین ندا پاسخ مثبت داد. خود وی در این مورد می‌گوید «می‌دانستم که کاری بس بزرگ بعهدہ گرفته‌ام و می‌بایست در این راه سختیهای بسیار بر خود هموار سازم. بدون شک تشویق استادانم در دانشگاه اورشلیم کمک بزرگی بود و نیز تأیید و پشتیبانی دوستانی که علاوه بر ارزش ادبی شاهنامه ترجمه آن را به زبان عبری بمنزله پلی برای تجدید روابط فرهنگی دیرینه دو قوم یهود و ایرانی می‌دانستند. اما بیش از هر چیز شاهنامه خود فراخوان من بود چرا که جهانی بود بس بزرگ و گونه‌گون که ترجمه آن با همه مشکلات وجد و نشاط و ژی‌ای در من بوجود می‌آورد و مرا در هموار نمودن راه یاری می‌نمود. دریغ بود که چنین اثری به زبان عبری ترجمه نشود. اینک با پایان کار ترجمه بیش از پیش در شگفتم از این که چگونه مغز و جان انسانی تنها به این همه اندیشه‌ها دست یافته و چه سان تخیل یک فرد، چه پرتوش و توان، آنچه را در برابر دیدگان داریم زنده ساخته است» (از مقدمه ترجمه کامل شاهنامه).

اینک پس از بیست و پنج سال پشت کار و رنج عاشقانه ترجمه کامل شاهنامه بانجام رسیده است. و یراستاری و نظارت علمی آن همچنان به عهده پروفیسور شاکد است و با توصیه استادان دانشگاه اورشلیم از جمله پروفیسور زند، استاد ادبیات فارسی، مؤسسه ییالیک انتشار آن را عهده دار شده است. تردید نیست که این کار مترگ در غنای زبان عبری و ادبیات آن سهمی بزرگ خواهد داشت.

امید است در آینده ترجمه‌های بیشتری از ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی در اختیار عبری‌زبانان قرار گیرد.

بخش مطالعات ایرانی، دانشگاه عبری اورشلیم

• Fritz Wolff, *Glossar zu Firdosis Schahname*, Berlin 1935 (Hildesheim 1965).

فرتس وولف ایران‌شناس آلمانی سالها بر سر تهیه «واژه‌نامه شاهنامه فردوسی» بر اساس سه متن Macan, Mohl, Vollers رنج برد. حکومت آلمان نازی در سال ۱۹۳۵ این اثر بزرگ را بعنوان هدیه بمناسبت هزاره فردوسی به ملت و دولت ایران تقدیم کرد. خود مؤلف که یهودی تبار بود با وجود گرایش به دین مسیح بوسیله نازیها به یکی از اردوگاههای مرگ فرستاده شد و در کوره آدم‌سوزی جان سپرد.